



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۱/۲۵

رفعت حسینی

از اوباشی های شیخنا!!! سعدی شیرازی

در هرزه درایی و اوباشی های شاعران { جفنگ پندار } در ادبیات خاشاک پارسی ، فصل یاهو یی بنام هزل، بوسیله <استاذان کرام > شاعر، گنجانیده شده است.
و درین فصل نیز، مانند فصل هجو بانوان، بر سلول های مغز خواننده- شنونده، شاعران قضای حاجت می کنند.

هزل ، بذله گوئی و مسخرگی معنی میدهد.

بارز ترین نکته برای تفکر عقلانی این است:

درباره فقر معنوی و ناداری مادی مردم و دادگری و مبارزه برای بازخواست زمامداران، حافظ و سنایی و سعدی و ناصر خسرو و جامی و ووووو، هیچ وقت، نمی نویسند مگر در هجو بانوان و برای لودگی و قهقه خندیدن، شعر { لچکانه } تیار می نمایند.

بگذارید چند دقیقه شیخنا اجل سعدی به ذهنیت تشنه ما و شما بفهماند که برای رفع تشنه بودن، ادرار بهترین چاره است و هم برای دفع گشنگی از ریخ زدن نیز راه گریزی نیست:

سعدی

هزل نامه سعدی - ۱۰

«شخصی نشسته بود و کیرش پیدا بود. پسر گفت بابا این چیست؟ گفت پای بابای توست.

گفت این پای را کفش کجاست؟

گفت مادرت کهنه طرطوسی دارد که گاهگاه به این پای می کشم!»!

...

هزل ۹

گر بر سر بوق من نشینی (بوق: نوعی شیپور، کنایه از قضیب)

دروازه کازرون ببینی

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرولو مخکې په خیر و لولئ

هزل نامه سعدی - ۸

بی خویش و غریب و خانمانم، چکنم؟
چون تو ندهی و خرنگایم چکنم؟

...

هزل نامه سعدی - ۷

ای خواجه اگر باخرد و تمکینی
جز جلق زدن کار دگر نگزینی
چه خوشتر از آن بود که هنگام جماع
تا دسته فروبری ، سرش را بینی

...

هزل نامه سعدی - ۶

آمد به نماز آن صنم کافرکیش
ببرید نماز مومنان و درویش
می‌گفت امام مستمند دل‌ریش
ای‌کاش من از پس بدمی، وی از پیش

هزل نامه سعدی - ۵

گفت: هرکس امشب دو رکعت نماز بگذارد، او را حوری دهند که بالای او از مشرق تا به
مغرب باشد. کسی گفت: من این نماز نکنم و این حور را نمی‌خواهم. گفتند: چرا؟ گفت: زیرا که
اگر سرش در کنار من باشد و در شیراز و بغدادش گایند، مرا چه خبر بُود؟!
کلیات سعدی، به تصحیح محمدعلی فروغی (دُکاءالملک)، با مقدمه عباس اقبال، شرکت نسبی
حاج محمدحسین اقبال و شرکاء، ۱۳۴۲ هـ. ق